دوره ۱، شماره ۶، سال ۱۴۰۴

هوشمندسازی در حسابداری، اقتصاد و مدیریت مالی

طراحی مدل هوشمند سنجش کیفیت سود با تأکید بر اقلام تعهدی، پایداری سود و الگوهای دستکاری سود

۱. علی اکبر صادقی نژاد: گروه اقتصاد، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

۲. رؤیا جمالی*: گروه اقتصاد، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران (نویسنده مسئول). roya.jamali22@gmail.com

۳. حسام نوریان: گروه اقتصاد، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

چکیده

هدف این پژوهش طراحی مدل هوشمند سنجش کیفیت سود با تمرکز بر کیفیت اقلام تعهدی، پایداری سود، قابلیت پیش‌بینی جریان‌های نقدی و شناسایی الگوهای دستکاری سود در شرکت‌ها است. این پژوهش با رویکرد کیفی و طرح اکتشافی انجام شد. مشارکت‌کنندگان شامل ۱۹ نفر از خبرگان حسابداری مالی، حسابرسی، تحلیل‌گری بازار سرمایه، مدیریت مالی و اعضای هیئت علمی دانشگاهی در شهر تهران بودند که به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته گردآوری شد و فرآیند مصاحبه تا دستیابی به اشباع نظری ادامه یافت. برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل مضمون و نرم‌افزار NVivo استفاده شد. کدگذاری در سه سطح کدهای اولیه، مقوله‌های فرعی و مقوله‌های اصلی انجام گرفت و برای افزایش اعتبار یافته‌ها از بازبینی مشارکت‌کنندگان، مرور همتایان و ثبت مسیر تحلیل استفاده شد. تحلیل داده‌ها به استخراج چهار مقوله اصلی منجر شد: کیفیت و قابلیت اتکای اقلام تعهدی، پایداری و قابلیت پیش‌بینی سود، الگوهای دستکاری سود، و معماری داده‌محور مدل هوشمند سنجش کیفیت سود. مشارکت‌کنندگان تأکید کردند که سنجش کیفیت سود نباید صرفاً بر نسبت‌های حسابداری یا یک شاخص منفرد متکی باشد، بلکه باید ترکیبی از نشانه‌های تعهدی، نقدی، رفتاری، زمانی و نظارتی را در نظر گیرد. از دیدگاه آنان، افزایش غیرعادی اقلام تعهدی اختیاری، شکاف پایدار میان سود و جریان نقد عملیاتی، تغییرات غیرمنطقی در ذخایر، فروش اعتباری غیرعادی، کاهش هزینه‌های اختیاری و هموارسازی سود از نشانه‌های اصلی کاهش کیفیت سود محسوب می‌شود. نتایج نشان داد کیفیت سود مفهومی چندبعدی است و طراحی مدل هوشمند برای سنجش آن مستلزم ادغام داده‌های مالی، حسابرسی، حاکمیت شرکتی و الگوهای رفتاری مدیریت است. مدل پیشنهادی می‌تواند به حسابرسان، تحلیل‌گران، مدیران مالی و نهادهای ناظر کمک کند تا ریسک دستکاری سود را زودتر شناسایی کرده، قابلیت اتکای گزارشگری مالی را بهبود بخشند و تصمیم‌های اقتصادی را بر مبنای سودهای پایدارتر و شفاف‌تر اتخاذ کنند.

کلیدواژه‌ها: کیفیت سود؛ اقلام تعهدی؛ پایداری سود؛ مدیریت سود؛ دستکاری سود؛ مدل هوشمند؛ گزارشگری مالی

شیوه استناددهی: صادقی نژاد، علی اکبر.، جمالی، رؤیا.، و نوریان، حسام. (۱۴۰۴). طراحی مدل هوشمند سنجش کیفیت سود با تأکید بر اقلام تعهدی، پایداری سود و الگوهای دستکاری سود. *هوشمندسازی در حسابداری، اقتصاد و مدیریت مالی*، *۱*(۶)، ۳۹-۲۷.

© ۱۴۰۴ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است.

Volume 1, Issue 6, Year 2025

Smartification in Accounting, Economics, and Financial Management

Designing an Intelligent Model for Assessing Earnings Quality with Emphasis on Accruals, Earnings Persistence, and Earnings Manipulation Patterns

1. Ali Akbar Sadeghi Nejad: Department of Economics, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran
2. Roya Jamali*: Department of Economics, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran (Corresponding Author). roya.jamali22@gmail.com
3. Hesam Nourian: Department of Economics, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Abstract

This study aimed to design an intelligent model for assessing earnings quality by focusing on accrual quality, earnings persistence, cash-flow predictability, and patterns of earnings manipulation. This study employed a qualitative exploratory design. The participants consisted of 19 experts in financial accounting, auditing, capital market analysis, financial management, and academic accounting from Tehran, Iran. Participants were selected through purposive sampling. Data were collected using semi-structured interviews, and the interview process continued until theoretical saturation was achieved. Thematic analysis was applied to analyze the data, and NVivo software was used to organize, code, compare, and refine the qualitative evidence. Coding was performed at three levels: initial codes, subcategories, and main categories. To enhance trustworthiness, member checking, peer review, analytical memoing, and audit trail documentation were used. The analysis resulted in four main categories: accrual quality and reliability, earnings persistence and predictability, earnings manipulation patterns, and the data-driven architecture of an intelligent earnings quality assessment model. Participants emphasized that earnings quality should not be evaluated through a single accounting ratio or isolated financial indicator. Instead, an intelligent model should integrate accrual-based signals, cash-flow consistency, temporal stability, managerial incentives, audit evidence, and governance-related indicators. Abnormal discretionary accruals, persistent gaps between earnings and operating cash flows, unusual changes in provisions, abnormal credit sales, reduction of discretionary expenditures, income smoothing, and timing-based adjustments were identified as major warning signs of low earnings quality. The findings indicate that earnings quality is a multidimensional construct and that designing an intelligent model for its assessment requires the integration of financial, auditing, governance, and behavioral data. The proposed model can assist auditors, financial analysts, managers, and regulators in the early identification of earnings manipulation risk, improvement of financial reporting reliability, and enhancement of economic decisions based on more persistent and transparent earnings.

Keywords: *Earnings quality; accruals; earnings persistence; earnings management; earnings manipulation; intelligent model; financial reporting.*

How to cite: Sadeghi Nejad, A. A., Jamali, R., & Nourian, H. (2025). Designing an Intelligent Model for Assessing Earnings Quality with Emphasis on Accruals, Earnings Persistence, and Earnings Manipulation Patterns. *Smartification in Accounting, Economics, and Financial Management, 1*(6), 27-39.

© 2025 the authors.

مقدمه

کیفیت سود یکی از بنیادی‌ترین مفاهیم در حسابداری مالی، گزارشگری مالی، تحلیل سرمایه‌گذاری و حاکمیت شرکتی است؛ زیرا سود حسابداری نه‌تنها شاخصی برای ارزیابی عملکرد گذشته شرکت محسوب می‌شود، بلکه مبنایی برای پیش‌بینی جریان‌های نقدی آینده، ارزش‌گذاری سهام، ارزیابی توان بازپرداخت بدهی، تعیین پاداش مدیران و تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران است. با این حال، سود حسابداری همواره معادل خلق واقعی ارزش اقتصادی نیست و می‌تواند تحت تأثیر برآوردهای حسابداری، قضاوت‌های مدیریتی، سیاست‌های شناخت درآمد و هزینه، اقلام تعهدی اختیاری و رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیران قرار گیرد. از این منظر، کیفیت سود به این پرسش پاسخ می‌دهد که سود گزارش‌شده تا چه اندازه بازتاب‌دهنده عملکرد واقعی، پایدار، قابل اتکا و قابل پیش‌بینی شرکت است. هرچه سود گزارش‌شده بیشتر با جریان‌های نقدی عملیاتی، عملکرد اقتصادی پایدار و اطلاعات قابل اتکای مالی همسو باشد، کیفیت سود بالاتر ارزیابی می‌شود؛ اما هرچه سود بیشتر حاصل برآوردهای ناپایدار، اقلام تعهدی غیرعادی، هموارسازی مصنوعی یا دستکاری زمان‌بندی معاملات باشد، کیفیت آن کاهش می‌یابد.

در ادبیات حسابداری، کیفیت سود مفهومی واحد و تک‌بعدی تلقی نمی‌شود، بلکه مجموعه‌ای از ویژگی‌ها مانند پایداری، قابلیت پیش‌بینی، هموار نبودن مصنوعی، ارتباط با جریان‌های نقدی، کیفیت اقلام تعهدی، محافظه‌کاری، به‌موقع بودن شناسایی زیان‌ها و فقدان مدیریت سود را در بر می‌گیرد Dechow ،. Ge و (۲۰۱۰) Schrand تأکید می‌کنند که کیفیت سود وابسته به زمینه تصمیم‌گیری است؛ به این معنا که سود باکیفیت برای سرمایه‌گذار، اعتباردهنده، حسابرس یا نهاد ناظر ممکن است از منظرهای متفاوتی تعریف شود. برای سرمایه‌گذاران، سود باکیفیت سودی است که ارزش شرکت و جریان‌های نقدی آتی را بهتر توضیح دهد؛ برای اعتباردهندگان، سود باکیفیت باید توان بازپرداخت تعهدات را نشان دهد؛ و برای نهادهای ناظر، کیفیت سود با شفافیت، قابلیت اتکا و نبود تحریف بااهمیت ارتباط دارد. بنابراین، طراحی یک مدل جامع برای سنجش کیفیت سود مستلزم آن است که شاخص‌های صرفاً عددی با فهم نهادی، حرفه‌ای و رفتاری از گزارشگری مالی ترکیب شوند.

یکی از مهم‌ترین ابعاد کیفیت سود، اقلام تعهدی است. حسابداری تعهدی با هدف بهبود تطابق درآمدها و هزینه‌ها و ارائه تصویر مناسب‌تری از عملکرد اقتصادی شرکت طراحی شده است؛ اما همین منطق تعهدی، فضایی برای اعمال قضاوت مدیریتی ایجاد می‌کند. در شرایط عادی، اقلام تعهدی می‌توانند اطلاعات سودمندتری نسبت به جریان‌های نقدی خام ارائه دهند؛ زیرا جریان‌های نقدی ممکن است تحت تأثیر زمان‌بندی دریافت‌ها و پرداخت‌ها دچار نوسان شوند. با این حال، زمانی که اقلام تعهدی بیش از حد بر برآوردهای ذهنی، ذخایر غیرشفاف، درآمدهای تحقق‌نیافته یا تعدیلات پایان دوره متکی باشند، قابلیت اتکای سود کاهش می‌یابد Dechow .و (۲۰۰۲) Dichev کیفیت اقلام تعهدی را با خطاهای برآورد در تبدیل جریان‌های نقدی به سود مرتبط می‌دانند و نشان می‌دهند که هرچه خطای برآورد اقلام تعهدی بیشتر باشد، کیفیت سود پایین‌تر است. از این منظر، اقلام تعهدی پلی میان سود و جریان نقدی هستند؛ اما اگر این پل بر پایه برآوردهای ناپایدار ساخته شود، سود گزارش‌شده نیز شکننده و کم‌کیفیت خواهد بود.

پایداری سود نیز یکی دیگر از شاخص‌های مهم کیفیت سود است. سود پایدار سودی است که در دوره‌های آتی استمرارپذیر باشد و از عملیات اصلی شرکت سرچشمه بگیرد، نه از اقلام غیرمترقبه، فروش دارایی‌ها، تعدیلات حسابداری یا دستکاری‌های کوتاه‌مدت (۱۹۹۶) Sloan .نشان داد که اجزای نقدی سود معمولاً پایداری بیشتری نسبت به اجزای تعهدی دارند و بازار سرمایه ممکن است در ارزیابی تفاوت میان این دو جزء دچار خطا شود. این یافته اهمیت تفکیک سود به مؤلفه‌های نقدی و تعهدی را برجسته می‌کند. شرکتی که سود بالایی گزارش می‌کند اما جریان نقد عملیاتی ضعیفی دارد، ممکن است از نظر ظاهری سودآور به نظر برسد، اما از منظر کیفیت سود با ریسک مواجه باشد. بنابراین، سنجش پایداری سود باید به رابطه میان سود، جریان نقد عملیاتی، تکرارپذیری عملکرد و منشأ سود توجه کند.

در کنار اقلام تعهدی و پایداری سود، الگوهای مدیریت و دستکاری سود نقش محوری در کاهش کیفیت سود دارند Healy .و Wahlen (۱۹۹۹)مدیریت سود را نوعی استفاده از قضاوت در گزارشگری مالی و ساختاردهی معاملات می‌دانند که با هدف گمراه کردن ذی‌نفعان یا اثرگذاری بر پیامدهای قراردادی مبتنی بر ارقام حسابداری انجام می‌شود. مدیریت سود می‌تواند از طریق اقلام تعهدی، مانند تغییر در ذخایر، برآورد مطالبات مشکوک‌الوصول، شناسایی زودهنگام درآمد یا تعویق هزینه‌ها، و نیز از طریق فعالیت‌های واقعی، مانند ارائه تخفیف‌های غیرعادی برای افزایش فروش پایان دوره، کاهش هزینه‌های تحقیق و توسعه یا تبلیغات، و تولید بیش از نیاز برای کاهش بهای تمام‌شده واحد، رخ دهد . (۲۰۰۶) Roychowdhuryنشان می‌دهد که مدیریت سود واقعی از طریق تصمیم‌های عملیاتی می‌تواند تشخیص دشوارتری نسبت به مدیریت سود تعهدی داشته باشد، زیرا در ظاهر در قالب تصمیم‌های تجاری مشروع رخ می‌دهد اما پیامد آن تحریف عملکرد اقتصادی واقعی شرکت است.

مدل‌های سنتی سنجش کیفیت سود، مانند مدل(۱۹۹۱) Jones ، مدل تعدیل‌شدهJones ، مدل Dechow و Dichev و مدل‌های مبتنی بر اقلام تعهدی اختیاری، سهم بزرگی در توسعه ادبیات تجربی کیفیت سود داشته‌اند. همچنین (۱۹۹۹) Beneish با معرفی مدلM-Score ، مجموعه‌ای از نسبت‌های مالی را برای شناسایی احتمال دستکاری سود پیشنهاد کرد. با این حال، پیچیدگی محیط گزارشگری مالی امروز، تنوع الگوهای تجاری، افزایش حجم داده‌های مالی، رشد سیستم‌های اطلاعاتی، استفاده از ابزارهای مالی پیچیده و توسعه گزارشگری دیجیتال نشان می‌دهد که اتکا به یک مدل خطی یا یک نسبت منفرد نمی‌تواند برای شناسایی تمامی ابعاد کیفیت سود کافی باشد. کیفیت سود در عمل از تعامل چندین مؤلفه شکل می‌گیرد: ساختار اقلام تعهدی، پایداری سود، کیفیت جریان نقدی، انگیزه‌های مدیریتی، فشار بازار سرمایه، ویژگی‌های حاکمیت شرکتی، کیفیت حسابرسی، پیچیدگی قراردادها و رفتارهای فرصت‌طلبانه در پایان دوره مالی.

از همین رو، ایده طراحی مدل هوشمند سنجش کیفیت سود اهمیت می‌یابد. مدل هوشمند در این پژوهش به معنای مدلی است که بتواند داده‌های چندمنبعی، شاخص‌های مالی، نشانه‌های تعهدی، روندهای زمانی، الگوهای غیرعادی و قضاوت‌های حرفه‌ای خبرگان را به‌صورت یکپارچه پردازش کند و تصویری جامع‌تر از کیفیت سود ارائه دهد. چنین مدلی لزوماً صرفاً یک الگوریتم ماشینی نیست، بلکه می‌تواند چارچوبی مفهومی و داده‌محور باشد که منطق حسابداری، شواهد تجربی، نشانه‌های هشداردهنده و قابلیت‌های تحلیلی هوشمند را ترکیب کند. در مدل

پیشنهادی، کیفیت سود نه با یک عدد ساده، بلکه از طریق مجموعه‌ای از ابعاد ارزیابی می‌شود: کیفیت اقلام تعهدی، پایداری سود، انطباق سود و جریان نقدی، الگوهای مدیریت سود، نشانه‌های دستکاری، کیفیت افشا، کیفیت حسابرسی و قابلیت تفسیر خروجی مدل.

اهمیت این موضوع در بازارهای نوظهور و محیط‌هایی که شفافیت اطلاعاتی، کیفیت حاکمیت شرکتی و کارایی نظارت با چالش‌هایی مواجه است، دوچندان می‌شود. در چنین محیط‌هایی، فاصله اطلاعاتی میان مدیران و استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی بیشتر است و احتمال بهره‌برداری فرصت‌طلبانه از انعطاف‌پذیری استانداردهای حسابداری افزایش می‌یابد. مدیران ممکن است برای دستیابی به اهداف پاداش، جلب اعتماد سرمایه‌گذاران، دریافت تسهیلات، حفظ قیمت سهام، رعایت شروط قراردادی یا پنهان کردن عملکرد ضعیف، از ابزارهای مدیریت سود استفاده کنند. بنابراین، سنجش هوشمند کیفیت سود می‌تواند به کاهش عدم تقارن اطلاعاتی، افزایش قابلیت اتکای گزارشگری مالی و بهبود تصمیم‌گیری ذی‌نفعان کمک کند.

با وجود گسترش پژوهش‌های کمّی در زمینه کیفیت سود و مدیریت سود، بخش مهمی از مسئله همچنان ماهیت تفسیری، حرفه‌ای و زمینه‌مند دارد. بسیاری از نشانه‌های کاهش کیفیت سود تنها با مشاهده نسبت‌های مالی قابل تشخیص نیستند و نیازمند قضاوت حسابرسان، تحلیل‌گران، مدیران مالی و متخصصان بازار سرمایه هستند. برای مثال، افزایش مطالبات تجاری ممکن است نشانه رشد فروش باشد، اما در زمینه‌ای دیگر می‌تواند نشان‌دهنده شناسایی زودهنگام درآمد یا فروش اعتباری پرریسک باشد. کاهش هزینه‌های تبلیغات ممکن است بیانگر کارایی هزینه‌ای باشد، اما در شرایط خاص می‌تواند نشانه مدیریت سود واقعی برای افزایش سود کوتاه‌مدت باشد. بنابراین، فهم خبرگان از زمینه، انگیزه‌ها و نشانه‌های غیرعادی می‌تواند به طراحی مدل دقیق‌تر و کاربردی‌تر کمک کند.

بر این اساس، پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با خبرگان مالی، حسابرسی و دانشگاهی در تهران انجام می‌شود تا ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های لازم برای طراحی مدل هوشمند سنجش کیفیت سود شناسایی شود. تمرکز اصلی پژوهش بر سه محور کلیدی است: اقلام تعهدی، پایداری سود و الگوهای دستکاری سود. نوآوری پژوهش در آن است که به جای اتکا به یک شاخص عددی از پیش تعیین‌شده، تلاش می‌کند منطق حرفه‌ای خبرگان را در قالب یک مدل مفهومی هوشمند سازمان‌دهی کند. انتظار می‌رود نتایج این پژوهش بتواند مبنایی برای توسعه ابزارهای تحلیلی در حسابرسی، تحلیل سرمایه‌گذاری، رتبه‌بندی اعتباری و نظارت مالی فراهم آورد.

مواد و روش‌ها

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر رویکرد، کیفی است و با طرح اکتشافی انجام شد. دلیل انتخاب رویکرد کیفی آن بود که طراحی مدل هوشمند سنجش کیفیت سود، علاوه بر شاخص‌های مالی و حسابداری، نیازمند شناخت عمیق از قضاوت حرفه‌ای، تجربه عملی، نشانه‌های زمینه‌ای و برداشت خبرگان از رفتارهای دستکاری سود است. از آنجا که کیفیت سود مفهومی چندبعدی، تفسیری و وابسته به زمینه گزارشگری مالی است، روش کیفی امکان شناسایی ابعاد پنهان، مؤلفه‌های حرفه‌ای و روابط مفهومی میان اقلام تعهدی، پایداری سود و الگوهای مدیریت سود را فراهم می‌کند.

مشارکت‌کنندگان پژوهش شامل ۱۹ نفر از خبرگان مالی و حسابداری در شهر تهران بودند. این افراد از میان مدیران مالی شرکت‌ها، حسابرسان مستقل، تحلیل‌گران بازار سرمایه، اعضای هیئت علمی حسابداری و متخصصان گزارشگری مالی انتخاب شدند. معیار ورود به پژوهش شامل داشتن حداقل پنج سال تجربه حرفه‌ای یا پژوهشی در حوزه حسابداری مالی، حسابرسی، تحلیل صورت‌های مالی، بازار سرمایه یا مدیریت مالی بود. معیار خروج نیز نداشتن تمایل به ادامه مصاحبه یا ارائه پاسخ‌های ناقص و غیرمرتبط در نظر گرفته شد. نمونه‌گیری به روش هدفمند انجام گرفت و تلاش شد مشارکت‌کنندگانی انتخاب شوند که تجربه مستقیم در تحلیل کیفیت سود، بررسی اقلام تعهدی، حسابرسی صورت‌های مالی یا ارزیابی عملکرد شرکت‌ها داشته باشند. فرآیند نمونه‌گیری تا دستیابی به اشباع نظری ادامه یافت؛ به‌گونه‌ای که در مصاحبه هفدهم کد جدید معناداری ظاهر نشد و دو مصاحبه بعدی برای اطمینان از اشباع و تثبیت مقوله‌ها انجام شد.

ابزار گردآوری داده‌ها مصاحبه نیمه‌ساختاریافته بود. راهنمای مصاحبه بر اساس ادبیات نظری کیفیت سود و مدیریت سود و با نظر سه متخصص حسابداری مالی تدوین شد. پرسش‌های مصاحبه حول محورهایی مانند تعریف سود باکیفیت، نشانه‌های کاهش کیفیت اقلام تعهدی، معیارهای پایداری سود، نسبت سود و جریان نقد عملیاتی، نشانه‌های دستکاری سود، نقش حسابرسی، کیفیت افشا، داده‌های مورد نیاز برای مدل هوشمند و نحوه تفسیر خروجی مدل طراحی شد. نمونه پرسش‌ها شامل این موارد بود: «از نظر شما سود باکیفیت چه ویژگی‌هایی دارد؟»، «چه نوع اقلام تعهدی را نشانه ریسک کیفیت سود می‌دانید؟»، «چگونه می‌توان میان سود پایدار و سود دستکاری‌شده تمایز قائل شد؟» و «یک مدل هوشمند برای سنجش کیفیت سود باید چه داده‌ها و شاخص‌هایی را ترکیب کند؟«

مصاحبه‌ها به‌صورت حضوری یا برخط، بسته به دسترسی مشارکت‌کنندگان، انجام شد. مدت هر مصاحبه بین ۴۵ تا ۷۵ دقیقه بود. با کسب رضایت آگاهانه از مشارکت‌کنندگان، مصاحبه‌ها ضبط و سپس به‌صورت کامل پیاده‌سازی شد. به مشارکت‌کنندگان اطمینان داده شد که اطلاعات آنان محرمانه خواهد ماند و نام یا مشخصات شناسایی آنان در گزارش پژوهش ذکر نخواهد شد. برای هر مشارکت‌کننده یک کد اختصاصی، مانند P۱ تاP۱۹ ، تعیین شد.

تحلیل داده‌ها با روش تحلیل مضمون انجام گرفت. در مرحله نخست، متن مصاحبه‌ها چندین بار خوانده شد تا پژوهشگر با کل داده‌ها آشنا شود. سپس کدهای اولیه از عبارات معنادار استخراج شد. در مرحله دوم، کدهای مشابه در قالب مقوله‌های فرعی سازمان‌دهی شد. در مرحله سوم، مقوله‌های فرعی در قالب مقوله‌های اصلی ادغام شدند. برای مدیریت داده‌ها و افزایش دقت کدگذاری از نرم‌افزار NVivo استفاده شد. این نرم‌افزار برای ذخیره متن مصاحبه‌ها، طبقه‌بندی کدها، مقایسه پاسخ‌ها، بازیابی نقل‌قول‌ها و ترسیم روابط میان مقوله‌ها به کار رفت. اعتبار داده‌ها از طریق بازبینی مشارکت‌کنندگان، مرور همتایان، مقایسه مستمر کدها و ثبت یادداشت‌های تحلیلی تأمین شد. همچنین برای افزایش قابلیت اعتماد، فرآیند کدگذاری و تصمیم‌های تحلیلی مستندسازی شد تا مسیر تحلیل قابل پیگیری باشد.

یافته‌ها

از میان ۱۹ مشارکت‌کننده پژوهش، ۱۱ نفر مرد و ۸ نفر زن بودند. از نظر جایگاه حرفه‌ای، ۵ نفر تحلیل‌گر بازار سرمایه، ۴ نفر حسابرس مستقل، ۴ نفر عضو هیئت علمی حسابداری و ۶ نفر مدیر مالی یا معاون مالی شرکت‌ها بودند. از نظر سابقه کاری، ۳ نفر بین ۵ تا ۱۰ سال، ۷ نفر بین ۱۱ تا ۱۵ سال و ۹ نفر بیش از ۱۵ سال تجربه حرفه‌ای یا پژوهشی داشتند. از نظر سطح تحصیلات، ۶ نفر دارای مدرک کارشناسی ارشد و ۱۳ نفر دارای مدرک دکتری یا دانشجوی دکتری تخصصی بودند. همه مشارکت‌کنندگان در تهران فعالیت حرفه‌ای یا دانشگاهی داشتند. این ترکیب نشان داد که داده‌های پژوهش از دیدگاه گروه‌های مختلف درگیر با کیفیت سود، شامل تهیه‌کنندگان، ارزیابان، استفاده‌کنندگان و ناظران حرفه‌ای گزارشگری مالی، گردآوری شده است.

تحلیل مصاحبه‌ها به استخراج چهار مقوله اصلی منجر شد: کیفیت و قابلیت اتکای اقلام تعهدی، پایداری و قابلیت پیش‌بینی سود، الگوهای دستکاری و مدیریت سود، و معماری داده‌محور مدل هوشمند سنجش کیفیت سود. در مجموع، ۱۲۶ کد اولیه، ۱۸ مقوله فرعی و ۴ مقوله اصلی شناسایی شد. یافته‌ها نشان داد که مشارکت‌کنندگان کیفیت سود را پدیده‌ای چندبعدی می‌دانند که تنها از طریق یک شاخص مالی قابل سنجش نیست. از دیدگاه آنان، سود باکیفیت باید از عملیات اصلی شرکت حاصل شود، با جریان نقد عملیاتی همخوانی داشته باشد، در دوره‌های آتی استمرار یابد، به‌شدت وابسته به اقلام تعهدی اختیاری نباشد و نشانه‌های غیرعادی مدیریت سود در آن مشاهده نشود.

کیفیت و قابلیت اتکای اقلام تعهدی :نخستین مقوله اصلی به کیفیت اقلام تعهدی مربوط بود. مشارکت‌کنندگان تأکید کردند که اقلام تعهدی به خودی خود منفی نیستند، زیرا حسابداری تعهدی برای انعکاس بهتر عملکرد اقتصادی شرکت ضروری است؛ اما زمانی که حجم اقلام تعهدی غیرعادی افزایش می‌یابد، رابطه آن‌ها با جریان‌های نقدی ضعیف می‌شود یا تغییرات ذخایر و برآوردها فاقد توجیه اقتصادی است، کیفیت سود کاهش می‌یابد. کدهای فرعی این مقوله شامل «افزایش غیرعادی مطالبات»، «شکاف سود و جریان نقد عملیاتی»، «ذخایر مشکوک‌الوصول غیرشفاف»، «برآوردهای پایان دوره»، «اقلام تعهدی اختیاری بالا» و «تغییرات غیرعادی در سرمایه در گردش» بود. یکی از حسابرسان مستقل بیان کرد: «وقتی سود بالا می‌رود اما پولی وارد شرکت نمی‌شود، اولین چیزی که باید بررسی شود اقلام تعهدی است؛ چون گاهی سود فقط روی کاغذ ساخته شده است .(P۶) «یکی از مدیران مالی نیز گفت: «مدل هوشمند باید بفهمد رشد مطالبات ناشی از رشد واقعی فروش است یا ناشی از فشار مدیریت برای نشان دادن سود بهتر در پایان سال .(P۱۳) «این یافته نشان می‌دهد که تحلیل اقلام تعهدی باید با منطق اقتصادی شرکت، صنعت، چرخه عملیاتی و رفتار جریان نقدی ترکیب شود.

پایداری و قابلیت پیش‌بینی سود :دومین مقوله اصلی به پایداری سود و قابلیت پیش‌بینی آن مربوط بود. مشارکت‌کنندگان سود پایدار را سودی دانستند که از فعالیت‌های اصلی و تکرارپذیر شرکت به دست آمده باشد و بتواند جریان‌های نقدی آینده را تا حد قابل قبولی توضیح دهد. آنان تأکید کردند سود حاصل از فروش دارایی، درآمدهای غیرعملیاتی، تعدیلات یک‌باره یا تغییرات حسابداری نباید با سود عملیاتی پایدار یکسان تلقی شود. کدهای فرعی این مقوله شامل «تکرارپذیری سود»، «وابستگی به عملیات اصلی»، «پایداری حاشیه سود»، «قابلیت پیش‌بینی جریان نقدی»، «تفکیک سود عملیاتی و غیرعملیاتی» و «ثبات نسبت سود به فروش» بود. یکی از تحلیل‌گران بازار سرمایه گفت: «برای

سرمایه‌گذار مهم نیست شرکت فقط امسال سود ساخته باشد؛ مهم این است که آیا این سود سال بعد هم قابل تکرار است یا نه .(P۲) «یکی از اعضای هیئت علمی نیز بیان کرد: «پایداری سود باید در مدل به‌صورت روندی دیده شود، نه نقطه‌ای؛ یعنی مدل باید چند سال شرکت را دنبال کند و ببیند سود از کجا آمده است .(P۹) «بر اساس این یافته، مدل هوشمند سنجش کیفیت سود باید بتواند روندهای چنددوره‌ای سود، ترکیب سود، ثبات حاشیه‌ها و رابطه سود با جریان نقدی آتی را ارزیابی کند.

الگوهای دستکاری و مدیریت سود :سومین مقوله اصلی به شناسایی الگوهای دستکاری سود مربوط بود. مشارکت‌کنندگان میان مدیریت سود تعهدی و مدیریت سود واقعی تمایز قائل شدند. از دیدگاه آنان، مدیریت سود تعهدی معمولاً از طریق برآوردهای حسابداری، شناسایی زودهنگام درآمد، تغییر در ذخایر، تعویق هزینه‌ها و تعدیلات پایان دوره رخ می‌دهد؛ در حالی که مدیریت سود واقعی از طریق تصمیم‌های عملیاتی مانند تخفیف غیرعادی، فروش اعتباری پرریسک، کاهش هزینه‌های تبلیغات، کاهش هزینه‌های تحقیق و توسعه یا تولید بیش از نیاز انجام می‌شود. کدهای فرعی این مقوله شامل «هموارسازی سود»، «افزایش سود برای رعایت شروط قراردادی»، «کاهش هزینه‌های اختیاری»، «فروش پایان دوره»، «تغییر سیاست‌های حسابداری»، «دستکاری ذخایر» و «پنهان کردن زیان» بود. یکی از مشارکت‌کنندگان اظهار کرد: «بعضی شرکت‌ها سود را با عملیات واقعی دستکاری می‌کنند؛ مثلاً آخر سال فروش اعتباری سنگین می‌زنند، ولی سال بعد وصولی ندارند « .(P۵)مشارکت‌کننده دیگری گفت: «مدل باید فقط عدد سود را نبیند؛ باید ببیند سود چگونه تولید شده است، از فروش واقعی یا از بازی با زمان شناسایی درآمد و هزینه .(P۱۶) «این یافته نشان می‌دهد که شناسایی کیفیت سود پایین مستلزم توجه هم‌زمان به داده‌های حسابداری، روندهای عملیاتی و انگیزه‌های مدیریتی است.

معماری داده‌محور مدل هوشمند سنجش کیفیت سود :چهارمین مقوله اصلی به ویژگی‌های مدل هوشمند مربوط بود. مشارکت‌کنندگان تأکید کردند که مدل پیشنهادی باید چندبعدی، قابل تفسیر، قابل به‌روزرسانی و متناسب با صنعت باشد. از نظر آنان، مدل نباید صرفاً خروجی سیاه‌جعبه ارائه دهد، بلکه باید توضیح دهد چرا کیفیت سود یک شرکت پایین یا بالا ارزیابی شده است. کدهای فرعی این مقوله شامل «ترکیب داده‌های مالی و غیرمالی»، «شاخص‌های صنعت‌محور»، «قابلیت تفسیر مدل»، «امتیاز ریسک کیفیت سود»، «هشدار زودهنگام»، «داشبورد تحلیلی»، «یادگیری از داده‌های تاریخی» و «ترکیب قضاوت انسانی و الگوریتم» بود. یکی از تحلیل‌گران بیان کرد: «مدل هوشمند زمانی ارزش دارد که فقط نگوید ریسک بالاست؛ باید بگوید ریسک از کجاست: مطالبات، ذخایر، حاشیه سود، جریان نقدی یا رفتار فروش .(P۳) «یکی از حسابرسان نیز گفت: «در حسابرسی، مدل باید قابل توضیح باشد؛ چون نمی‌توان فقط به خروجی الگوریتم اعتماد کرد، باید منطق پشت هشدار مشخص باشد .(P۱۱) «این یافته نشان می‌دهد که مدل هوشمند سنجش کیفیت سود باید علاوه بر قدرت تشخیص، قابلیت تبیین و کاربردپذیری حرفه‌ای نیز داشته باشد.

بر اساس ترکیب یافته‌ها، مدل پیشنهادی پژوهش دارای چهار لایه مفهومی است: لایه داده، لایه شاخص‌ها، لایه تحلیل هوشمند و لایه تفسیر حرفه‌ای. در لایه داده، اطلاعات صورت‌های مالی، جریان‌های نقدی، یادداشت‌های توضیحی، گزارش حسابرس، داده‌های صنعت و اطلاعات

حاکمیت شرکتی گردآوری می‌شود. در لایه شاخص‌ها، متغیرهایی مانند اقلام تعهدی کل و اختیاری، نسبت جریان نقد عملیاتی به سود، تغییرات مطالبات، تغییرات موجودی کالا، پایداری حاشیه سود، سهم درآمدهای غیرعملیاتی، تغییرات ذخایر و نشانه‌های فروش غیرعادی محاسبه می‌شود. در لایه تحلیل هوشمند، الگوهای غیرعادی، روندهای ناپایدار و شکاف‌های معنادار میان سود و جریان نقدی شناسایی می‌شود. در لایه تفسیر حرفه‌ای، خروجی مدل در قالب امتیاز کیفیت سود، سطح ریسک دستکاری و دلایل اصلی هشدار ارائه می‌شود. بنابراین، مدل پیشنهادی نه جایگزین قضاوت حرفه‌ای، بلکه تقویت‌کننده آن است.

بحث

نتایج پژوهش نشان داد که کیفیت اقلام تعهدی یکی از ارکان اصلی مدل هوشمند سنجش کیفیت سود است. مشارکت‌کنندگان تأکید کردند که اقلام تعهدی باید در ارتباط با جریان‌های نقدی، چرخه عملیاتی، تغییرات سرمایه در گردش و برآوردهای مدیریتی تحلیل شوند. این یافته با دیدگاه Dechow و Dichev (۲۰۰۲) همسو است که کیفیت پایین اقلام تعهدی را ناشی از خطاهای برآورد در فرآیند تبدیل جریان‌های نقدی به سود می‌دانند. همچنین با یافته‌هایFrancis ، LaFond، Olssonو Schipper (۲۰۰۵) سازگار است که کیفیت پایین اقلام تعهدی را با ریسک اطلاعاتی و هزینه سرمایه بالاتر مرتبط می‌دانند. بر اساس یافته‌های حاضر، اقلام تعهدی زمانی نشانه کاهش کیفیت سود هستند که از منطق اقتصادی شرکت فاصله بگیرند؛ برای مثال، رشد مطالبات بدون رشد متناسب جریان نقدی، افزایش ذخایر بدون توضیح کافی یا نوسان شدید اقلام سرمایه در گردش می‌تواند نشانه ریسک باشد. این نتیجه با ادبیات مدیریت سود تعهدی نیز هماهنگ است؛ زیرا مدل Jones (۱۹۹۱) و مدل‌های توسعه‌یافته بعدی نشان داده‌اند که اقلام تعهدی اختیاری می‌توانند برای شناسایی رفتارهای مدیریت سود به کار روند. بنابراین، در مدل پیشنهادی، اقلام تعهدی نه به‌عنوان یک متغیر مستقل و منفرد، بلکه به‌عنوان مجموعه‌ای از نشانه‌های متصل به جریان نقد، چرخه فروش، سیاست‌های اعتباری و برآوردهای حسابداری تحلیل می‌شوند.

دومین نتیجه پژوهش نشان داد که پایداری و قابلیت پیش‌بینی سود، بعدی ضروری در ارزیابی کیفیت سود است. از دیدگاه مشارکت‌کنندگان، سود باکیفیت باید از عملیات اصلی شرکت حاصل شود، قابلیت تکرار داشته باشد و بتواند جریان‌های نقدی آینده را توضیح دهد. این یافته با مطالعه Sloan (۱۹۹۶) همخوان است که نشان داد اجزای نقدی سود نسبت به اجزای تعهدی پایداری بیشتری دارند و تمایز میان این دو جزء برای ارزیابی کیفیت سود اهمیت دارد. همچنین Dechow و همکاران (۲۰۱۰) پایداری سود را یکی از شاخص‌های مهم کیفیت سود معرفی کرده‌اند، هرچند تأکید دارند که کیفیت سود بسته به زمینه تصمیم‌گیری معنا پیدا می‌کند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که پایداری سود باید با تحلیل منشأ سود همراه باشد؛ زیرا سودی که از فروش دارایی، درآمدهای غیرعملیاتی یا تعدیلات یک‌باره حاصل شده باشد، حتی اگر از نظر عددی بالا باشد، کیفیت بالایی ندارد. بنابراین، مدل هوشمند باید میان سود عملیاتی تکرارشونده و سود غیرتکرارشونده تمایز بگذارد و روندهای چندساله را به جای تحلیل مقطعی یک سال مالی ارزیابی کند.

سومین مقوله پژوهش نشان داد که الگوهای دستکاری سود می‌توانند در دو سطح تعهدی و واقعی رخ دهند. مشارکت‌کنندگان نمونه‌هایی مانند شناسایی زودهنگام درآمد، تغییر ذخایر، فروش اعتباری پایان دوره، کاهش هزینه‌های اختیاری و هموارسازی سود را از نشانه‌های اصلی کاهش کیفیت سود دانستند. این یافته با تعریف Healy و (۱۹۹۹) Wahlen از مدیریت سود همسو است؛ زیرا آنان مدیریت سود را استفاده هدفمند از قضاوت مدیریتی برای اثرگذاری بر برداشت ذی‌نفعان یا پیامدهای قراردادی می‌دانند. همچنین یافته حاضر با پژوهش Roychowdhury (۲۰۰۶)درباره مدیریت سود واقعی همخوان است؛ زیرا مشارکت‌کنندگان تأکید کردند که دستکاری سود همیشه از مسیر ثبت‌های حسابداری انجام نمی‌شود و گاه از طریق تصمیم‌های عملیاتی واقعی رخ می‌دهد. این موضوع اهمیت مدل‌های هوشمند را افزایش می‌دهد، زیرا چنین مدل‌هایی باید بتوانند نشانه‌های غیرعادی در عملیات شرکت را در کنار داده‌های حسابداری تحلیل کنند. افزون بر این، یافته‌ها با مدل Beneish (۱۹۹۹)نیز سازگار است که بر استفاده از نسبت‌های مالی برای شناسایی احتمال دستکاری سود تأکید دارد. با این حال، نتایج حاضر نشان می‌دهد که در محیط‌های پیچیده امروز، نسبت‌های مالی باید با تحلیل روند، قضاوت حرفه‌ای و داده‌های مکمل ترکیب شوند.

چهارمین نتیجه پژوهش به ضرورت طراحی معماری داده‌محور، قابل تفسیر و صنعت‌محور برای مدل هوشمند سنجش کیفیت سود مربوط بود. مشارکت‌کنندگان تأکید کردند که مدل نباید صرفاً خروجی عددی یا هشدار کلی ارائه دهد، بلکه باید دلایل امتیازدهی خود را مشخص کند. این یافته با مباحث جدید در زمینه کاربرد هوش مصنوعی در حسابداری و حسابرسی همخوان است که بر اهمیت قابلیت تفسیر، شفافیت الگوریتمی و ترکیب قضاوت انسانی با پردازش داده تأکید دارند. در زمینه کیفیت سود، قابلیت تفسیر اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا حسابرسان، تحلیل‌گران و نهادهای ناظر باید بتوانند منطق هشدار مدل را بررسی و مستند کنند. اگر مدل تنها اعلام کند که کیفیت سود پایین است، اما مشخص نکند این ارزیابی ناشی از اقلام تعهدی غیرعادی، ضعف جریان نقدی، درآمدهای غیرعملیاتی، تغییر ذخایر یا مدیریت سود واقعی است، کاربرد حرفه‌ای محدودی خواهد داشت. بنابراین، مدل پیشنهادی این پژوهش بر مفهوم «هوشمندی قابل توضیح» استوار است؛ یعنی مدلی که علاوه بر پردازش داده و شناسایی الگو، بتواند دلیل، سطح ریسک و منشأ کاهش کیفیت سود را نیز ارائه کند.

در مجموع، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که کیفیت سود باید به‌عنوان یک سازه چندبعدی تحلیل شود. این نتیجه با Schipper و Vincent (۲۰۰۳)هماهنگ است که کیفیت سود را با سودمندی تصمیم، قابلیت اتکا و ویژگی‌های اقتصادی سود مرتبط می‌دانند. همچنین با Dechow و همکاران (۲۰۱۰) همسو است که هیچ معیار واحدی را برای کیفیت سود کافی نمی‌دانند و بر وابستگی کیفیت سود به زمینه تصمیم‌گیری تأکید دارند. بر این اساس، مدل هوشمند پیشنهادی باید از ترکیب شاخص‌های تعهدی، نقدی، پایداری، عملیاتی، نظارتی و رفتاری تشکیل شود. این مدل می‌تواند برای حسابرسان به‌عنوان ابزار شناسایی ریسک تحریف، برای تحلیل‌گران به‌عنوان ابزار ارزیابی پایداری سود، برای مدیران مالی به‌عنوان ابزار کنترل کیفیت گزارشگری و برای نهادهای ناظر به‌عنوان ابزار پایش شرکت‌های پرریسک استفاده شود.

محدودیت‌ها :این پژوهش با رویکرد کیفی انجام شد و داده‌های آن بر اساس دیدگاه ۱۹ نفر از خبرگان فعال در تهران گردآوری شد؛ بنابراین، تعمیم نتایج به همه شرکت‌ها، صنایع و محیط‌های نهادی باید با احتیاط انجام شود. همچنین، به دلیل ماهیت مصاحبه‌ای پژوهش، یافته‌ها

مبتنی بر تجربه و ادراک مشارکت‌کنندگان است و امکان دارد برخی پاسخ‌ها تحت تأثیر زمینه شغلی، تجربه شخصی یا ملاحظات حرفه‌ای آنان قرار گرفته باشد. محدودیت دیگر آن است که مدل ارائه‌شده در این مرحله ماهیت مفهومی دارد و هنوز با داده‌های واقعی شرکت‌ها، صورت‌های مالی تاریخی یا الگوریتم‌های پیش‌بینی کمّی آزمون نشده است.

پیشنهادها برای پژوهش‌های آینده :پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده، مدل مفهومی استخراج‌شده در این مطالعه به‌صورت کمّی آزمون شود و شاخص‌های آن بر اساس داده‌های واقعی شرکت‌های بورسی عملیاتی گردد. همچنین می‌توان از روش‌های یادگیری ماشین، شبکه‌های عصبی، درخت تصمیم، جنگل تصادفی و مدل‌های قابل تفسیر برای تبدیل چارچوب کیفی به مدل پیش‌بینی‌کننده استفاده کرد. پژوهش‌های آتی می‌توانند مدل را در صنایع مختلف مقایسه کنند، زیرا الگوهای اقلام تعهدی و پایداری سود در صنایع تولیدی، خدماتی، مالی و فناوری یکسان نیست. همچنین بررسی نقش کیفیت حسابرسی، ساختار مالکیت، استقلال هیئت‌مدیره و فشارهای قراردادی در تقویت یا تضعیف کیفیت سود می‌تواند به توسعه مدل کمک کند.

پیشنهادها برای عمل :به حسابرسان پیشنهاد می‌شود در ارزیابی ریسک تحریف بااهمیت، تنها به سود خالص و نسبت‌های عمومی اتکا نکنند و تحلیل روند اقلام تعهدی، شکاف سود و جریان نقد عملیاتی، تغییرات ذخایر و فروش‌های پایان دوره را در برنامه حسابرسی وارد کنند. به تحلیل‌گران بازار سرمایه پیشنهاد می‌شود سود شرکت‌ها را بر اساس منشأ سود، پایداری، کیفیت جریان نقدی و نشانه‌های مدیریت سود تفسیر کنند، نه صرفاً بر اساس رشد سود هر سهم. به مدیران مالی نیز توصیه می‌شود داشبوردهای داخلی کیفیت سود طراحی کنند تا پیش از انتشار صورت‌های مالی، ریسک اقلام تعهدی غیرعادی، ناپایداری سود و ضعف افشا شناسایی و اصلاح شود. نهادهای ناظر نیز می‌توانند از مدل‌های هوشمند و قابل تفسیر برای پایش شرکت‌های پرریسک و افزایش شفافیت بازار سرمایه استفاده کنند.

نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش طراحی مدل هوشمند سنجش کیفیت سود با تأکید بر اقلام تعهدی، پایداری سود و الگوهای دستکاری سود بود. نتایج نشان داد کیفیت سود مفهومی چندبعدی است و نمی‌توان آن را تنها با یک نسبت مالی یا یک مدل آماری ساده ارزیابی کرد. بر اساس دیدگاه خبرگان، کیفیت سود زمانی بالا است که سود گزارش‌شده از عملیات اصلی شرکت ناشی شود، با جریان نقد عملیاتی همخوانی داشته باشد، در دوره‌های آینده استمرار یابد، متکی بر اقلام تعهدی غیرعادی نباشد و نشانه‌های مدیریت یا دستکاری سود در آن مشاهده نشود. در مقابل، افزایش غیرعادی اقلام تعهدی، شکاف پایدار میان سود و جریان نقد، نوسان غیرمنطقی ذخایر، فروش اعتباری پایان دوره، کاهش غیرعادی هزینه‌های اختیاری و هموارسازی سود از نشانه‌های کاهش کیفیت سود محسوب می‌شوند.

مدل پیشنهادی پژوهش شامل چهار بعد اصلی است: کیفیت اقلام تعهدی، پایداری سود، الگوهای دستکاری سود و معماری داده‌محور مدل هوشمند. این مدل بر ادغام داده‌های مالی، جریان‌های نقدی، شاخص‌های عملیاتی، گزارش حسابرس، داده‌های صنعت و قضاوت حرفه‌ای تأکید دارد. همچنین، یافته‌ها نشان داد که مدل هوشمند باید قابل تفسیر باشد و علاوه بر ارائه امتیاز کیفیت سود، دلایل ریسک را نیز مشخص کند.

چنین مدلی می‌تواند به بهبود تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران، افزایش اثربخشی حسابرسی، ارتقای شفافیت گزارشگری مالی و تقویت نظارت مالی کمک کند. بنابراین، پژوهش حاضر چارچوبی مفهومی برای حرکت از سنجش سنتی و تک‌بعدی کیفیت سود به سوی سنجش هوشمند، چندمنبعی و قابل توضیح ارائه می‌دهد.

تشکر و قدردانی

از تمامی کسانی که در انجام این پژوهش ما را همراهی کردند تشکر و قدردانی به عمل می‌آید.

موازین اخلاقی

در این پژوهش اصول اخلاقی مرتبط با نشر و انجام پژوهش رعایت گردیده است.

مشارکت نویسندگان

تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

بر اساس اظهار نویسندگان، در این مقاله هیچ‌گونه تضاد منافعی وجود ندارد.

فهرست منابع

Beneish, M. D. (1999). The detection of earnings manipulation. *Financial Analysts Journal, 55*(5), 24–36. doi: 10.2469/faj.v55.n5.2296

Cohen, D. A., Dey, A., & Lys, T. Z. (2008). Real and accrual-based earnings management in the pre- and post-Sarbanes-Oxley periods. *The Accounting Review, 83*(3), 757–787. doi: 10.2308/accr.2008.83.3.757

Creswell, J. W., & Poth, C. N. (2018). *Qualitative inquiry and research design: Choosing among five approaches* (4th ed.). Sage.

Dechow, P. M., & Dichev, I. D. (2002). The quality of accruals and earnings: The role of accrual estimation errors. *The Accounting Review, 77*(s-1), 35–59. doi: 10.2308/accr.2002.77.s-1.35

Dechow, P. M., Ge, W., & Schrand, C. M. (2010). Understanding earnings quality: A review of the proxies, their determinants and their consequences. *Journal of Accounting and Economics, 50*(2–3), 344–401. doi: 10.1016/j.jacceco.2010.09.001

Francis, J., LaFond, R., Olsson, P., & Schipper, K. (2005). The market pricing of accruals quality. *Journal of Accounting and Economics, 39*(2), 295–327. doi: 10.1016/j.jacceco.2004.06.003

Healy, P. M., & Wahlen, J. M. (1999). A review of the earnings management literature and its implications for standard setting. *Accounting Horizons, 13*(4), 365–383. doi: 10.2308/acch.1999.13.4.365

Jones, J. J. (1991). Earnings management during import relief investigations. *Journal of Accounting Research, 29*(2), 193–228. doi: 10.2307/2491047

Kothari, S. P., Leone, A. J., & Wasley, C. E. (2005). Performance matched discretionary accrual measures. *Journal of Accounting and Economics, 39*(1), 163–197. doi: 10.1016/j.jacceco.2004.11.002

Lincoln, Y. S., & Guba, E. G. (1985). *Naturalistic inquiry*. Sage.

Richardson, S. A., Sloan, R. G., Soliman, M. T., & Tuna, İ. (2005). Accrual reliability, earnings persistence and stock prices. *Journal of Accounting and Economics, 39*(3), 437–485. doi: 10.1016/j.jacceco.2005.04.005

Roychowdhury, S. (2006). Earnings management through real activities manipulation. *Journal of Accounting and Economics, 42*(3), 335–370. doi: 10.1016/j.jacceco.2006.01.002

Schipper, K., & Vincent, L. (2003). Earnings quality. *Accounting Horizons, 17*(Supplement), 97–110. doi: 10.2308/acch.2003.17.s-1.97

Sloan, R. G. (1996). Do stock prices fully reflect information in accruals and cash flows about future earnings? *The Accounting Review, 71*(3), 289–315.